

## لزوم تجدید نظر بر تفسیر قرآن مجید

دکتور فرید یونس

موضوع را که خدمت شما خوانندگان گرامی پیشکش می‌کنم تازه نیست ، و من به این موضوع ده سال قبل در یک کنفرانس اشاره کرده بودم. امروز احتیاج بر تفسیر جدید قرآن نظر به مقتضیات عصر حاضر روز به روز زیاد تر شده می‌رود. یکی از دلایل تعصب و تنگ نظری و تبعیض در جامعه ما ندانستن درست ، علمی و عدلی قرآن مجید است، کتابی که برای رهنمایی و سعادت بشر نازل شده است. قرآن مجید کتاب است که برای همه نسل ها نازل شده است و چون علم در پیشرفت است ، قرآن هم نظر به سیر تکاملی انسان که خلیفه خداوند در زمین است تفسیر می‌شود. چنانچه قرآن مجید در سوره لقمان آیه بیست و هفتم می‌گوید ، « و اگر آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد» این آیه بدین معنی است که «سخن خدا» یعنی پیشرفت علم ایستادگی ندارد . به عبارت دیگر با وصف اینکه قرآن در «لوح محفوظ» است ، پا بر جاست و تغییر ناپذیر است و اما تفسیر آن نظر به پیشرفت علم و تکامل انسانی در عرصه زمان تغییر میکند. چنانچه ابن عباس ( رض ) گفته است « القرآن ، یفسر الزمان» یعنی قرآن نظر به زمان که زیست می‌کنیم تفسیر می‌شود. یکی از زیبایی‌های قرآن هم همین است . در غیر آن این کتاب اگر موازی با پیشرفت انسان تحلیل و تفسیر نشود همان است که انسان از رسالت که به نام خلیفه خدا در روی زمین برایش سپرده شده است از قافله تمدن به دور می‌ماند چنانچه مسلمانان عقب افتاده اند و مسئولیت را که انسان عهده دار شده ، و قرآن نظر به آیه هفتاد و دوم سوره احزاب خاطر نشان میکند و می‌گوید « همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم ، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند، اما انسان بار امانت را بدوش کشید و آن را پذیرفت». بلی انسان با کشفیات و اختراعات و پیشرفت تکاملی که خداوند برایش اراده کرده است مسولیت جهان هستی را به دوش دارد و با رضای خداوند به پیش می‌رود زیرا خداوند چنین خواسته است تا این موجود که اشرف مخلوقات نام نهاده شده رسالت خداوند را در روی زمین به پیش برد . ازین رو ، از نگاه شرع ممانعت شرعی در تفسیر کلام مجید نیست و از همین لحاظ است که در گذشته تفاسیر متعدد به دسترس ما قرار گرفته است مانند تفسیر «کابلی» ، تفسیر «حسینی» ، تفسیر "در سایه‌های قرآن" ، تفسیر «نمونه» تفسیر «ابن کثیر» و غیره. و همچنان در زبان‌های خارجی میتوان از تفسیر «علامه عبدالله یوسف علی» ، تفسیر «اسد» نام برد. مفسرین تفسیر نمونه در مقدمه جلد بیست و پنجم در مورد تفسیر قرآن چنین نگاشته اند ، «اقیانوس بیکران قرآن نه چنان است که با مقیاسهای بشری قابل اندازه‌گیری باشد، و ژرفای آن قابل درک، چرا که قرآن کلام خدا است و کلام خدا مانند ذاتش بی‌انتها است. ولی با این حال هر کس میتواند ازین اوقیانوس بیکران به اندازه پیمانه وجودش بهره گیرد، و بنابراین هر قدر بر ظرفیت وجود و وسعت فکر و روح ما افزوده شود سهم ما از

معارف قرآن بیشتر، و ازین خانِ نعمت بی‌دریغ فزونتر خواهد بود. و درست به همین دلیل است که تفسیر قرآن در هیچ مرحله، و هیچ نوع، نباید متوقف گردد، چرا که اگر آنرا متوقف سازیم عملاً اعتراف به محدودیت قرآن کرده ایم، و این با کلام خدا «بودنش هرگز سازگار نیست».

در یک کشور اسلامی بدترین فقر، فقر فرهنگی است زیرا از نگاه جامعه‌شناسی اسلامی فقر فرهنگی باعث نه تنها فقر اقتصادی می‌شود بلکه باعث بدبختی‌های اجتماعی می‌شود که نتیجتاً جامعه را به انحطاط و رکود مطلق مواجه می‌سازد چنانچه مواجه شده ایم. این بر عکس کشور های صنعتی است که فقر اقتصادی باعث بدبختی‌های اجتماعی می‌گردد و اما هر گاهی که جامعه مسلمان به فقر فرهنگی دچار شد در آنجا مصیبت دامنگیر می‌شود. این به خاطر است که اساس سوسیو-پولیتیک اسلامی عدل و اخلاق است. فقر فرهنگی باعث از بین رفتن اخلاق و عدالت اجتماعی می‌گردد و این جاست که تدریس دین به شکل علمی آن نقش سازنده دارد. و اگر ما نتوانیم دین را نظر به صوابدید و نیازمندی های جامعه قرن بیست و یکم تحلیل و تفسیر کنیم، همان است که روز به روز تعصب و تبعیض زیر عنوان دین شامل حال می‌شود و صد ها بی‌گناه دیگر با حملات انتحاری جام شهادت خواهد نوشید و صد ها فرخنده دیگر به خاک و خون یکجا شده به شهادت خواهد رسید

دین نازل شد تا انسان را از هرگونه اسارت نجات دهد، انسان را یک موجود با اخلاق بسازد، و جامعه را جامعه متمدن سازد و متأسفانه ما امروز برعکس آنرا مشاهده می‌کنیم. این جاست که تفسیر قرآن در شرایط کنونی بایست جوابگوی نیازمندی های بشری باشد

علمای گرانقدر اسلام نظر به ایجابات عصر خود وظیفه خود را انجام دادند و به یقین اجر عظیم کمایی کردند. اما امروز وقتی ما تفاسیر گذشته را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که چون علوم پیشرفت کرده است و در اثر تحقیقات ما مطالب قرآن را امروز بهتر آموختیم و دانستیم در تفسیر وجود ندارد. هر عصر ایجابات و ضروریات خود را دارد. طور مثال حالا عصر بردگی نیست که در قرآن از آن تذکر به عمل آمده است و برعکس عصر تساوی حقوق مدنی است. پس آیه بردگی مفهوم آن تغییر میکند و ما برده ماشین شده‌ایم و برده ای سرمایه دار شده‌ایم حتی کشور های ما به نام آزادی و دموکراسی به خاک و خون کشیده شده است و اشغال شده است

تفاسیر باید عام فهم باشد تا خواننده مطلب را درک کند زیرا قرآن تنها برای علما نازل نشده است برای همه نازل شده است. انسان یک موجود آزاد و مستقل خلق شده است و آزادی او در قبال فکر و اندیشه او است. قرآن آزادی فرد را تضمین میکند اما متأسفانه این آزادی نه تنها در اثر جهل و بیسوادی از فرد گرفته شده در عین زمان با تدریس دهشت و حشت دین مصالحه شده است که درین قسمت همه مقصریم

در گذشته دانشمندان در فهم قرآن بسیار کوشیده اند و قابل ستایش است و اما

نسل ما قرآن را با پیشرفت علوم ، در عرصه های مختلف خوبتر می شناسیم. نه تنها پیشرفت علوم بلکه تغییر که در اثر عدالتخواهی در جوامع بشری رشد کرده است ما نه میتوانیم نا دیده بگیریم. امروز جهان ، جهان علم و تساوی حقوق است. جهان اندیشه آزاد است پس اگر ما مردم را از آزادی فکری به نام دین محروم می کنیم و فوراً مردم را به کفر می گیریم ما موقوف فکری اسلامی را ضعیف نشان می دهیم

یکی از دلایل عمده دهشت و وحشت و زن ستیزی و نابسامانی در کشور های اسلامی تفسیر قرآن است که جوابگوی نیازمندی های زن و مرد امروز نیست . طور مثال زدن زن اگر از شوهر اطاعت نکند. در حالیکه تفسیر آیه جدا شدن است نه زدن. در گذشته های دور ساینس به شکل امروز پیشرفت نکرده بود ، میکروسکوپ و تلسکوپ و دیگر افزار که جهان هستی را خوبتر بیان میکند نبود . تحقیقات ساینس و پیشرفت علوم ما را به خداوند و قرآن مجید که یک رهنمای کامل بشریت است نزدیکتر ساخته است. طور مثال ما هزار سال قبل نه می دانستیم که «دی ان ای» که در نباتات است در وجود انسان هم است. بدین ترتیب دسترسی با ساینس ما را با توحید زیاد تر آشنا ساخت. تحقیقات دامنه دار در علوم نباتات اشتباهات تفسیر را بر ملا ساخت. طور مثال امروز ما از روی تحقیقات میدانیم که آیه 61 سوره بقره ، بقل از خانواده فاصلیا است و همان باقلی است و اما در تفاسیر میخوانیم که سبزی ترجمه شده است. و یا سیر را گندم ترجمه کرده اند. ازین مثالها زیاد است و این به خاطر است که در گذشته ها تحقیقات گیاه شناسی و نبات شناسی به سطح امروز پیشرفت نکرده بود. میکروسکوپ وجود نداشت. نباتات دسته بندی نشده بودند و ما نه می دانستیم که کدو از کدام خانواده نباتی است. (رجوع شود به تحقیقات پروفیسور محمد شفیق یونس ، «اشتباهات در ترجمه و تفسیر نام گیاهان مذکور در قرآن مجید» ، دانشگاه لورن فرانسه 2015 میلادی). در اثر حفريات باستانشناسی نام های محلات که در قرآن تذکار رفته رونما گردیده است که برای ما تاریخ را روشن می سازد. پروفیسور بوکی در کتاب بایبل ، قرآن و ساینس از کشور فرانسه می نویسد که همه مضامین گوناگون مجموعاً در یک کتاب یعنی قرآن به اساسات ساینس امروز گنجانیده شده است . اما متأسفانه ازین موضوعات و تحقیقات در تفسیر قرآن خبری نیست و مسلمان امروز فکر میکند که ساینس با قرآن هماهنگی ندارد . کلمه زوج که در قرآن آمده است هم برای نباتات و حیوانات استفاده می شود و هم برای انسان. و توحید سیانتیفیک یا علمی همین است. موضوعات کیهان شناسی و مدار زمین و آفتاب و غیره همه و همه موضوعات علمی است که در قرآن تذکر یافته است. در شروع سوره بقره میخوانیم که «و مما رزقنهم ینفقون» یعنی و از آنچه برایشان روزی دادیم انفاق می کنند. روزی تنها عذا نیست بلکه تمامی ثروت است. امروز از نگاه اقتصادی سرمایه در دست چند تن از سرمایه دار تمرکز یافته است و مردم در فقر و تنگدستی زندگی می کنند. یا قرآن مسرفین را برادران شیاطین خوانده است و امروز در اثر نظام سرمایه داری مردم را نه تنها

مصرف بلکه مصرف کننده ساخته است و به جای اینکه اقتصاد برده انسان باشد ، انسان برده اقتصاد شده است

امروز قرآن را متنی ترجمه میکنند و آیه را که سمبول ، نشانه ، راز و پدیده معنی میدهد با عربی انسانی ترجمه کرده‌اند و این باعث بسیار اشتباهات شده است. درست است که قرآن به عربی نازل شده است و اما فراموش نکنیم که عربی قرآن به شکل آیه است نه لغت و تفسیر می‌شود ، ترجمه نه میشود من پیشنهاد می‌کنم تا یک کمیسیون با صلاحیت از مفسرین و دانشمندان علوم یکجا تشکیل شود و قرآن برای نسل نو با موازین ساینس ، روانشناسی ، جامعه شناسی ، علم بیالوژی ، اقتصاد ، سیاست همه و همه تفسیر و تشریح شود. در کنار آن احادیث که به متن قرآن هماهنگی ندارد باید از هم تفکیک شود. اینها از کارهای بنیادی است که اگر غفلت می‌شود در اثر وهابی گری و آخوندی گری ما به جز از تعصب و تنگ نظری و زن ستیزی و بدبختی در قرن بیست و یکم دیگر چیزی حصول نه خواهد شد

بیست و یکم اپریل 2016

ایالت کلیفورنیا